



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

شفقت

در قرآن و حدیث

محمود سعدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شفاعت در قرآن و حدیث

نویسنده:

محمود سعدی

ناشر چاپی:

نشریه پاسدار اسلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	شفاعت در قرآن و حدیث
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	مفهوم شفاعت
۶	اشاره
۷	آیات
۸	روایات
۸	اشاره
۸	اخبار اهل سنت
۸	اخبار شیعه
۸	جمع بندی روایات در باب شفاعت
۹	توضیح مطلب
۹	پاسخ به دو سؤال
۱۰	شرایط شفاعت
۱۰	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

شفاعت در قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۲-۱۰۸۲۹

سرشناسه: سعدی، محمود

عنوان و نام پدیدآور: شفاعت در قرآن و حدیث / سعدی، محمود

منشأ مقاله: پاسدار اسلام، ش ۲۵۷، (اردیبهشت ۱۳۸۲): ص ۲۶ - ۲۹.

توصیفگر: قرآن

توصیفگر: احادیث

توصیفگر: شفاعت

مقدمه

یکی از مزایایی که خدای متعال به مؤمنان، اختصاص داده این است که اگر مؤمن، ایمان خودش را تا هنگام مرگ حفظ کند که باعث سلب توفیق و سوء عقاب و سرانجام، شک و تردید یا انکار و جحود نشود، و خلاصه در یک جمله «اگر با ایمان از دار دنیا برود» به عذاب ابدی مبتلا نخواهد شد و جهنم برایش ابدی نخواهد بود و گناهان کوچکش به واسطه اجتناب و دوری از گناهان کبیره، بخشوده شده و گناهان بزرگش به وسیله توبه کامل و مورد قبول پروردگارش، آمرزیده می‌شود، و اگر موفق به چنین توبه‌ای نشد، تحمل گرفتاری‌ها و مصائب دنیا بار گناهانش را سبک می‌کند و سختی‌های برزخ و مواقف آغازین رستخیز ناخالصی‌هایش را می‌زداید و اگر باز هم از آلودگی‌های گناهان پاک نشد به وسیله شفاعت - که مظهر تجلی بزرگ‌ترین و فراگیرترین رحمت الهی در اولیاء خدا به ویژه رسول اکرم و اهل بیت کرامش (علیهم الصلوٰه والسلام) می‌باشد - از عذاب دوزخ نجات خواهد یافت. [۱] بر حسب روایات فراوان «مقام محمود» که در قرآن کریم [۲] به رسول اکرم (ص) وعده داده شده همین مقام شفاعت است، و نیز آیه شریفه «و لسوف یعطیک ربک فترضی؛ [۳] و همانا پروردگارت «آنقدر» به تو عطا خواهد کرد که خوشنود شوی.» اشاره به آمرزش الهی است که به واسطه شفاعت آن حضرت شامل حال کسانی که استحقاق دارند می‌شود. بنابراین، بزرگ‌ترین و نهایی‌ترین امید مؤمنان گنه کار، شفاعت است، ولی در عین حال نباید از «مکر الهی» ایمن شوند و باید همیشه بیمناک باشند که مبادا کاری از آنها سر زده باشد یا سر بزند که موجب سوء عاقبت و سلب ایمان، در هنگام مرگ گردد و مبادا علاقه به امور دنیوی به حدی در دلش رسوخ یابد که «العیاذ بالله» با بغض خدای متعال از این جهان برود بدان جهت که می‌بیند اوست که به وسیله مرگ، بین او و محبوب‌ها و معشوق‌ها جدایی می‌افکند.

مفهوم شفاعت

اشاره

شفاعت از ماده «شفع» است که در لغت به معنای «جفت شدن با چیزی» است، و اصطلاحاً به معنای حائل شدن برای رفع ضرر از کسی و یا رساندن منفعتی به اوست و در عبارت ساده‌تر و در محاورات عرفی بدین معنا به کار می‌رود که شخص آبرومندی از بزرگی بخواهد که از مجرمی بگذرد یا بر پاداش خدمتگزاری بیفزاید. البته در این وساطت برای دفع ضرر از کسی باید سه طرف

وجود داشته باشند: الف - شفاعت، ب - شفاعت شونده، ج - شفاعت کننده در اصطلاح شرعی و مذهبی شفاعت در آن جا مطرح می‌شود که شخصی در نزد خداوند برای دیگری طلب مغفرت و آمرزش نماید و یا بخواهد عقابی که در اثر گناه متوجه نفس گنهکار شده از او برداشته شود و یا تخفیف یابد. در این حال، شخص گنهکار، شفاعت شونده و ذات مقدس پروردگار پذیرنده شفاعت خواهد بود. شفاعت به معنای مذکور از مسلمات دین مبین اسلام به شمار می‌رود و در این زمینه علاوه بر آیات متعدد قرآنی، روایات فراوانی از طریق شیعه و سنی از رسول اکرم (ص) نقل گردیده است. شاید به جرأت بتوان گفت که از همه ائمه معصومین در زمینه شفاعت روایت داریم و این روایات هرگونه ابهام و شک و تردیدی را در زمینه شفاعت از بین می‌برد و موجبات یقین را برای حقیقت جویان با انصاف فراهم می‌سازد. در موارد متعارف علت این که کسی شفاعت شفیع را می‌پذیرد این است که می‌ترسد اگر نپذیرد شفاعت کننده رنجیده می‌شود و رنجش خاطر وی موجب محرومیت از لذت مؤانست و خدمت و یا حتی موجب ضرری از ناحیه شفیع گردد. مشرکانی که آفریدگار جهان را دارای اوصاف انسانی و از جمله نیاز به انس با همسر و ندیمان و کمک یاران و همکاران و یا ترس از انبازان و همتایان می‌پنداشتند برای جلب توجه خدای بزرگ یا مصونیت از خشم وی دست به دامن خدایان پنداری می‌زدند و به پرستش فرشتگان و جئیان و کرنش در برابر بت‌ها و تندیس‌ها پرداخته و می‌گفتند: «هؤلاء شفعاونا عند الله؛ [۴] اینان شفیعان ما نزد الله هستند» و نیز می‌گفتند: «ما نعبدهم الا ليقربونا الى الله زلفی؛ [۵] اینان را پرستش نمی‌کنیم؛ جز به این منظور که قرب و منزلتی برای ما نزد الله تحصیل کنند.» قرآن کریم نیز در مقام رد چنین پندارهای جاهلان‌ای می‌فرماید: «لیس لها من دون الله ولی و لا شفیع؛ [۶] ولی باید توجه داشت که نفی چنین شفیعان و چنین شفاعتی به معنای نفی مطلق شفاعت نیست و در خود قرآن کریم آیاتی داریم که «شفاعت باذن الله» را اثبات و شرایط شفیعان و نیز شرایط کسانی که مشمول شفاعت واقع می‌شوند را بیان فرموده است. وانگهی پذیرفته شدن شفاعت شفیعان مأذون از طرف خدای متعال، به واسطه ترس یا نیاز به ایشان نیست، بلکه راهی است که خود او برای کسانی که کمترین لیاقت دریافت رحمت ابدی را ندارند گشوده و برای آن، شرایط و ضوابطی تعیین فرموده است. در حقیقت فرق بین اعتقاد به شفاعت صحیح و شفاعت شرک آمیز، همان فرق بین اعتقاد به ولایت و تدبیر استقلالی است که در مباحث خداشناسی بیان می‌شود. واژه شفاعت گاهی به معنای وسیع تری به کار می‌رود و شامل ظهور هر تأثیر خیری در انسان به وسیله دیگری می‌شود و چنان که پدر و مادر نسبت به فرزندان و گاهی بالعکس، یا آموزگاران و ارشادگران نسبت به شاگردانشان و حتی مؤذن نسبت به کسانی که با صدای اذان او به یاد نماز افتاده و به مسجد رفته‌اند شفاعت می‌کنند، و در حقیقت، همان اثر خیری که در دنیا داشته‌اند، به صورت شفاعت و دستگیری در قیامت ظاهر می‌شود. نکته دیگر این که: استغفار برای گنهکاران در همین دنیا نیز نوعی شفاعت است و حتی دعا کردن برای دیگران و درخواست قضای حوائجشان از خدای متعال نیز در حقیقت از قبیل «شفاعت عندالله» به شمار می‌رود، زیرا همگی اینها وساطت نزد خدای متعال برای رساندن خیری به شخصی دیگر یا دفع شری از اوست. اینک به ذکر و ترجمه برخی از آیات و روایات کوتاه که در این زمینه وجود دارد می‌پردازیم:

آیات

«مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ؛ [۷] کیست که در نزد خداوند برای دیگران شفاعت کند مگر به اذن او؟» «مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ؛ [۸] شفیع نیست مگر پس از اذن او.» «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا؛ [۹] در آن روز (قیامت) شفاعت هیچ کس سودی نبخشد جز آن کس که خدای رحمن به او رخصت شفاعت داده و سخنش مورد پسند او گردیده است.» «لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا؛ [۱۰] در قیامت هیچ کس مالک شفاعت نمی‌باشد مگر کسی که [به پرستش حق] از خدای متعال عهد [نامه توحید کامل] دریافته است.» «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشِيَتِهِ مُشْفِقُونَ؛ [۱۱] و هرگز آن

مقربان درگاه الهی از احدی جز آن کس که خدا از او راضی است شفاعت نمی‌کنند و آنها دائماً از خوف قهر خدا هراسانند.»

روایات

اشاره

همان طور که گفته شد در زمینه شفاعت هم از طریق اهل سنت و هم از طریق شیعه اخبار فراوانی به دست ما رسیده است. نخست به ذکر چند روایت که از طریق اهل سنت از پیامبر اکرم (ص) رسیده است می‌پردازیم و سپس اخبار شیعه را در زمینه شفاعت بررسی می‌کنیم.

اخبار اهل سنت

قال رسول الله (ص): «شفاعتی نائله ان شاء الله من مات و لا یشرک بالله شیئاً؛ از شفاعت من - اگر خداوند بخواهد - آن کس برخوردار خواهد شد که بمیرد در حالی که هیچ گونه شائبه شرکی نسبت به خداوند در دلش نباشد.» قال رسول الله (ص): «قوله تعالی: عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا؛ [۱۲] هو المقام الذی اشفع لامتی فیه؛ منظور از «مقام محمود» در آنجا که خداوند می‌فرماید: «امید است که خداوند تو را برای مقام محمود برگزیند» مقامی است که من در آن برای امتم شفاعت می‌کنم.» قال رسول الله (ص): «یشفع یوم القیامه الانبیاء ثم العلماء ثم الشهداء؛ در آن روز نخست انبیاء، پس از آن علما و سپس شهداء، گنهکاران را شفاعت می‌کنند.»

اخبار شیعه

بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۹ - ۶۳. قال رسول الله (ص): «ثلاثة یشفعون الی الله فیشفعون: الانبیاء، ثم العلماء ثم الشهداء؛ سه گروهند که در نزد خداوند برای گنه‌کاران شفاعت می‌کنند و شفاعتشان مورد قبول واقع می‌شود: نخست انبیاء، سپس علما، پس از آن شهداء.» [۱۳]. قال رسول الله (ص): «انما شفاعتی لاهل الکبائر من امتی؛ شفاعت من فقط برای کسانی از امتم می‌باشد که مرتکب گناهان کبیره شده‌اند.» قال امیر المؤمنین (ع): «لنا شفاعه و لاهل مودتنا شفاعه؛ امیر المؤمنین (در ضمن حدیثی) فرمودند: برای ما و نیز برای اهل مودت و دوستی ما حق شفاعت وجود دارد.» قال الصادق (ع): «من انکر ثلاثه اشیاء فلیس من شیعتنا، المعراج والمسأله فی القبر والشفاعه؛ امام صادق (ع) فرمودند: هر کس منکر سه چیز شود از شیعیان ما محسوب نمی‌شود: معراج پیامبر، سؤال در قبر و مسئله شفاعت.» قال الصادق (ع): «نمی‌خرد ربنّا، و نصلی علی نبینا، و نشفع لشیعتنا فلا یردنا ربنا؛ امام صادق (ع) فرمود: ما پروردگاران را تمجید می‌کنیم و بر پیامبران درود و سلام می‌فرستیم، و برای شیعیانمان شفاعت می‌کنیم، و خداوند نیز درخواست ما را ردّ نمی‌کند.» قال الرضا (ع): «من کذب بشفاعه رسول الله (ص) لم تنله؛ هر کس شفاعت رسول خدا (ص) را تکذیب نماید مشمول آن نخواهد شد. با توجه به آیات متعدد قرآنی و روایات فراوانی که از شیعه و اهل سنت در زمینه شفاعت وجود دارد، انکار و تشکیک در آن هرگز برای اهل تحقیق و انصاف ممکن نیست.

جمع بندی روایات در باب شفاعت

آن چه از روایات در این جا ذکر گردید، تعداد کمی از روایات متعددی است که در زمینه شفاعت به معنای گسترده آن به ما رسیده است. ما در این جا برای رعایت اختصار از ذکر بقیه روایات این باب که در کتب احادیث آمده است خودداری می‌کنیم و با

جمع بندی جامع از مجموع روایات به دست آمده، معانی گوناگون و اصطلاح «شفاعت» در لسان شرع را نیز بیان می‌کنیم: به طور کلی می‌توان این روایات را به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول: روایاتی است که شفاعت را به پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت شان، مؤمنین و یا گروه‌های خاص دیگر مثل انبیا، علما و شهدا نسبت می‌دهند و در بعضی از روایات آمده است که همسایه نیز درباره همسایه شفاعت می‌کند. [۱۴]. دسته دوم: روایاتی است که شفاعت را به بعضی از اعمال نسبت می‌دهند. به عنوان مثال در روایتی شفاعت به «رحم و امانت‌داری» نسبت داده شده است. [۱۵]. دسته سوم: روایاتی است که مفادشان این است که همه مردم (ظاهراً بدون استثناء) در قیامت نیازمند شفاعت پیامبر اکرم (ص) می‌باشند. [۱۶]. اگر بخواهیم معنای عام و جامعی برای شفاعت - با توجه به گونه‌های مختلف آن - ارائه دهیم، بهتر این است که بگوییم: «شفاعت همان واسطه شدن در درگاه الهی است» و این گروه‌ها، اشخاص و یا افعالی که در روایات به عنوان «شفیع» مطرح می‌شوند، هر یک به نوبه خود مجرای فیض باری تعالی هستند و وسائط و کانال‌های جریان لطف و رحمت خداوندی به شمار می‌روند یعنی همان گونه که هر یک از فیوضات الهی سبب و مجرای خاصی دارد، فیض شفاعت الهی نیز سبب و کانال خاصی دارد.

توضیح مطلب

اگرچه سراسر وجود و هستی ما از آن خداست، و در هر لحظه غرق در دریای فیض الهی هستیم؛ اما خدای تعالی فیوضات خاصی دارد که شامل حال همه افراد نمی‌شود. بلکه متوقف بر اعمال و افعال اختیاری‌ای است که هر کس موفق به انجام آن اعمال گردد از آن فیوضات بهره‌مند می‌شود. هم چنین با توجه به تفاوت و اختلافی که بین این افعال - به عنوان اسباب تحصیل آن فیض‌ها - وجود دارد، خود این فیض‌ها نیز مختلف می‌شود. به گونه‌ای که فیض خاصی که از راه انجام یک فعل معین عاید انسان می‌شود با فیض خاص عمل دیگر تفاوت دارد و این دو قابل جانشینی و تبدیل نیستند. به عنوان مثال فیض و ثوابی که از راه «صدقه» به انسان می‌رسد، ممکن نیست که از راه دیگری کسب شود. و هر یک از اعمال نیک و صالح دیگر نیز سبب فیض خاصی هستند که این فیض‌های خاص جز از راه انجام فعل اختیاری خاص خودشان حاصل نمی‌شود. براین اساس می‌توان گفت حتی ملائکه الهی نیز که موجوداتی تام التجرد بوده و جمیع کمالات ممکنه نوع خود را بالفعل داراست از آن جا که در کارهای خود مختار نیستند، نمی‌توانند لذت خاصی را که از راه انجام یک فعل اختیاری برای ما قابل درک است ادراک کنند. هدف از این توضیحات این است که بگوییم: شفاعت نیز همچون سایر فیوضات حق تعالی سبب و مجرای خاصی دارد، اگر این سبب فراهم نشود این فیض هرگز به کسی نخواهد رسید، و این اسباب نیز هم‌چون سایر اسباب فیض‌های الهی جز از راه افعال اختیاری قابل تحصیل نیست.

پاسخ به دو سؤال

حال با توجه به مطالب مذکور پاسخ دو شبهه از شبهاتی که در زمینه شفاعت مطرح شده است روشن می‌شود. از آن جا که پاسخ این دو شبهه ارتباط مستقیم با مطالب مذکور دارد، لذا این دو شبهه را در این جا مطرح کرده و پاسخ می‌دهیم و پاسخ شبهات دیگر را در جای خود پاسخ می‌دهیم. سؤال اول: آیا شفاعت به معنای تحت تأثیر قرار گرفتن خداوند در برابر دیگری - یعنی شفیع - نیست؟ چرا که اگر بگوییم در مسأله شفاعت مؤثر حقیقی تنها و تنها خداست، بنابراین درخواست شفیع هیچ اثری نداشته و شفاعت بی‌معناست؛ و اگر بگوییم دیگری نیز در افاضه این فیض الهی از ناحیه خداوند مؤثر است، مستلزم تأثیر و انفعال خداوند است! سؤال دوم: آیا شفاعت کردن شفیع برای رفع عقاب از کسی است که مستحق عقاب است و آیا پذیرش این شفاعت از جانب خداوند به این معنا نیست که رحمت و لطف و مهربانی شفیع بیشتر و بالاتر از رحمت و لطف خداوند است؟ پاسخ سؤال اول: با توجه به این که گفتیم شفاعت نیز فیضی از فیوضات خداوندی است بنابراین روشن است که منشأ اصلی و حقیقی این فیض شفیع نیست، هر چند

که او تنها و تنها به عنوان کانال و فیض خاص الهی در رسیدن آن به انسان مدخلیت دارد. یعنی فیض شفاعت تنها و تنها از آن خداست؛ اما خود او کانال خاصی، مانند: پیامبران، ائمه، شهدا، علما و... را برای این فیض قرار داده است که این فیض جز از این مجاری قابل تحصیل نیست، بنابراین در عین حالی که این وسائط در شفاعت مؤثرند، هرگز این مطلب به معنای متأثر شدن و انفعال پذیری خداوند نیست. پاسخ سؤال دوم: از پاسخ سؤال قبلی پاسخ این سؤال نیز روشن می‌شود یعنی وقتی روشن شد که فیض و رحمت تنها از ناحیه خداست، و این شفعا و وسائط تنها نقش مجرا و واسطه دارند؛ بنابراین هرگز چنین نیست که رحمت و مهربانی شفیع بیشتر از خداوند باشد، بلکه این رحمت بی‌منتهای اوست که باعث شده بابی به نام «شفاعت» به عنوان آخرین مرحله بهره‌مندی از فیض الهی گشوده گردد تا از این طریق نیز افراد بیشتری مشمول فیض و رحمت او واقع شوند.

شرایط شفاعت

هرچند مسئله شفاعت از اصول مسلم و قطعی اسلام است، اما تابع شرایط و مقتضیات خاص و ویژه‌ای است، که از لابلای مباحث گذشته تا حدودی می‌توان این شرایط را به دست آورد، این شرایط را به صورت خلاصه ذکر می‌کنیم: ۱- اذن الهی: چنان که در بسیاری از آیات قرآن کریم مشاهده کردیم، یکی از شرایط اساسی و اصلی شفاعت این است که به اذن الهی باشد. بنابراین چنین نیست که هر کس بتواند در مورد هر کس که بخواهد شفاعت کند: «رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا». [۱۷]. ۲- رضایت خدا نسبت به شفیع: علاوه بر این که اصل شفاعت بایستی با اذن الهی باشد، شخص شفیع نیز بایستی از کسانی باشد که خداوند شفاعت آنان را می‌پذیرد. با توجه به این شرایط نیز نمی‌توان از هر کسی توقع شفاعت داشت و هر کس نمی‌تواند مدعی حق شفاعت شود. ۳- رضایت خدا نسبت به فرد مورد شفاعت: در مسئله شفاعت، رضایت خداوند نسبت به شفاعت شوندگان نیز شرط است. یعنی چنین نیست که فیض شفاعت بدون استثنا نصیب هر کس شود، بلکه - چنان که اشاره نمودیم - اسباب و ملاک خاصی دارد که هر کس این ملاک را تحصیل کرده باشد، مشمول شفاعت شفاعت کنندگان قرار می‌گیرد و در غیر این صورت از این فیض محروم خواهد بود. از آیات و روایات شفاعت می‌توان بعضی از شرایط شفاعت شوندگان را که موجب رضایت خداوند نسبت به شفاعت در حق آنان می‌گردد به دست آورد، مانند شرایط «ایمان»، «اقامه نماز» «پرداخت زکات» و «اعتقاد به معاد» که از آیات زیر به دست می‌آید: «فِي جَنَاتٍ يَسَاءُلُونَ - عَنِ الْمُجْرِمِينَ - مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ - قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ - وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ - وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ - وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ - حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ - فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ؛ بهشتیان در بهشت از مجرمین سؤال می‌کنند که چه کردید که اینک گرفتار عذاب دوزخ شدید؟ دوزخیان پاسخ می‌دهند، ما از نماز گزاران نبودیم، و با پرداخت زکات دستگیری از مسکینان نکردیم، و همواره عمر خویش را با اهل باطل به بطالت گذرانیدیم، و روز جزا و قیامت را دروغ می‌پنداشتیم، تا این که ناگاه مرگ گریبان ما را گرفت و برایمان یقین حاصل شد. [اما اینان باید بدانند که]، با این وضع، شفاعت شافعان در روز رستاخیز هرگز شامل حال آنها نمی‌شود. [۱۸]. به طور کلی باید سنخیتی بین شفاعت کنندگان و شفاعت شوندگان وجود داشته باشد تا شفاعت مؤثر باشد، اما اگر زنگارهای سیاهی و پلیدی و گناه آنقدر زیاد باشد که به طور کلی سنخیت بین دو گروه از بین رفته باشد، شفاعت هیچ اثری نخواهد داشت (باید آهن باشد تا آهن ربا، جذب کند ولی اگر زنگار تمام روی آهن را بپوشاند، آهن ربا آن را جذب نخواهد کرد).

پاورقی

[۱] عن النبی (ص): «ادخرتُ شفاعتی لاهل الکبائر من امتی؛ شفاعتم را برای ارتکاب کنندگان گناهان کبیره از امتم ذخیره کردم». (بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۷ - ۴۰).

[۲] بعضی از شب را بیدار و متعجب باش و نماز شب را به جای آر، باشد که خدایت تو را به مقام محمود مبعوث گرداند. (اسراء/۷۹).

[۳] سوره ضحی، آیه ۵.

[۴] سوره یونس، آیه ۱۸.

[۵] سوره زمر، آیه ۳.

[۶] سوره انعام، آیه ۷.

[۷] سوره بقره، آیه ۲۵۵.

[۸] سوره یونس، آیه ۳.

[۹] سوره طه، آیه ۱۰۹.]

[۱۰] سوره مریم، آیه ۸۷.

[۱۱] سوره انبیاء، آیه ۲۸.

[۱۲] سوره اسراء، آیه ۷۹.

[۱۳] بحار الانوار، ج ۸.

[۱۴] بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۴ - ۴۰، ح ۲۱، ص ۴۲، ح ۳۵.

[۱۵] بحار الانوار، ج ۸، ص ۴۳، ح ۳۹.

[۱۶] بحار الانوار، ج ۸، ص ۴۸، ح ۵۱، ص ۴۲، ح ۳۱، ص ۳۸، ح ۱۰.

[۱۷] سوره نبأ، آیه ۳۷.

[۱۸] سوره مدثر، آیات ۴۸ - ۴۰.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

